

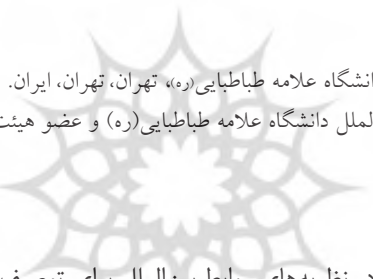
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۲۰

## تحلیل قدرت نرم بریتانیا

سید جلال دهقانی فیروزآبادی<sup>۱</sup>

مهدی ذوالفقاری<sup>۲\*</sup>



۱. استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبایی (ره) و عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

### چکیده

قدرت نرم واژه‌ای است که در نظریه‌های روابط بین‌الملل برای توصیف توانایی یک مجموعه سیاسی، مانند دولت به کار می‌رود. توانایی‌ای که به‌طور مستقیم بر رفتار یا منافع سایر نهادهای سیاسی، از طریق شیوه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی تاثیرگذار است. مقوله قدرت نرم در نظریات جدید، مفهومی ترکیبی بوده و فراتر از چارچوب قدرت سخت است و شامل مؤلفه‌هایی نظیر فرهنگ، ارزش‌ها، سیاست خارجی و تولیدات علمی و فن‌آوری می‌شود. در همین راستا دولت بریتانیا به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی یکی از شاخص‌ترین بازیگران جهانی در عرصه تولید و به‌کارگیری قدرت نرم می‌باشد. بنابراین در پژوهش پیش رو به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که مهم‌ترین منابع قدرت نرم بریتانیا در سیاست خارجی این کشور کدام است؟ در پاسخ به این پرسش مبادرت به شناخت منابع و سازمان‌های متولی تولید و کاربست قدرت نرم بریتانیا کرده‌ایم. براین اساس تقسیم منابع قدرت نرم به دو حوزه منابع جامعه محور و دولت محور راهگشای شناخت جامع و کاربردی این پژوهش است.

**واژگان کلیدی:** قدرت نرم، سیاست خارجی، بریتانیا، فرهنگ، دیپلماسی، جمهوری اسلامی ایران.

مبحث قدرت نرم طی سال‌های اخیر و به تدریج حائز اهمیت زیادی در سرتاسر جهان از جمله بریتانیا شده است. نهادهایی نظیر «مؤسسه خدمات‌رسانی متحد سلطنتی»<sup>۱</sup> (ملقب به روسی)<sup>۲</sup>، «چاتم هاوس»<sup>۳</sup>، «مؤسسه حکومت»<sup>۴</sup>، «مؤسسه دیپلماسی فرهنگی»<sup>۵</sup> و «شورای بریتانیا»<sup>۶</sup> مبادرت به انتشار کتب، مقالات و گزارش‌های متعددی درباره قدرت نرم بریتانیا کرده‌اند. همچنین سیاستمداران سابق بریتانیایی در سخنرانی‌های خود تأکید زیادی بر اهمیت قدرت نرم در سیاست خارجی بریتانیا داشته‌اند. این سخنرانی‌ها عمدتاً در مجلس عوام انگلستان و همچنین کمیته منتخب مجلس اعیان ایراد گردیده‌اند. بسیاری از مطالبی که پیرامون قدرت نرم بریتانیا انتشار یافته‌اند، بر شناسایی منابع قدرت نرم این کشور و روش‌های به‌کارگیری آن‌ها متمرکز هستند. تأکید ویژه این مکتوبات بر دارایی‌های محسوس بریتانیا همچون فرهنگ، آموزش و سرمایه انسانی، کسب و کار و خلاقیت، دولت و دیپلماسی است. هرچند که بسیاری از موارد با منابع سه‌گانه جوزف نای (فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی) انطباق دارند، اما بحث در مورد دامنه و گستره قدرت نرم کشورها، همچنان در جریان است. به عبارت دیگر، در تعریف ماهیت و منابع قدرت نرم کشورها این خطر وجود دارد که پژوهشگران همه چیز را مورد نظر قرار دهند و یا هیچ چیزی را حائز خصلت قدرت نرم ندانند. به عنوان مثال، فرهنگ به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم کشورها، طیف گسترده‌ای از متغیرهای خرد از قبیل سرمایه انسانی، موسیقی، فیلم، ورزش، غذاها و علم و فناوری را شامل می‌شود. این امر برای سایر منابع عمده قدرت نرم کشورها نیز صادق است. حتی اگر محققین بخواهند ابعاد انتزاعی و غیرمحسوس قدرت نرم کشورها را مدنظر قرار دهند، چنین مشکلی دوچندان می‌شود.

با وجود این، مشکلات مذکور موجب نگریده است که تلاش‌ها برای اندازه‌گیری قدرت نرم کشورها از جمله بریتانیا متوقف شود. یکی از این تلاش‌ها، توسط پژوهشگر انگلیسی «جانان مک کلوری»<sup>۷</sup> صورت پذیرفته است. وی با توسل به نظرسنجی‌های متعدد درباره وجهه کشورها و خرد کردن منابع قدرت نرم به واحدهای قابل اندازه‌گیری، شاخص واحدی را به نام «شاخص قدرت نرم»<sup>۸</sup> ابداع کرده است که نقاط قوت و ضعف کشورها را از منظر قدرت نرم نشان می‌دهد. به عنوان مثال، بریتانیا در حوزه‌های فرهنگ، دیپلماسی و آموزش در رتبه‌های برتر جهانی قرار می‌گیرد، اما زیرشاخص قدرت نرم این کشور در رابطه با حکومت و کسب و کار پایین‌تر است (McClory, 2011). البته

مطالعات مک کلوری به علت نگاه قوم‌مدارانه و تنگ‌نظرانه وی نسبت به مفهوم قدرت نرم کشورها، مورد انتقادات جدی نیز قرار گرفته است. وی تنها ۲۶ کشور را که روابط نزدیکی با بریتانیا دارند، مورد مطالعه قرار داده و از سایر کشورهای جهان غفلت نموده است. افزون بر این، در بسیاری از متغیرها و عناصر مورد نظر وی، سه کشور بریتانیا، فرانسه و ایالات متحده رتبه‌های نخست جهانی را به خود اختصاص داده‌اند که نمایان‌گر تعصب و سوگیری آشکار در بررسی‌های مک کلوری است (Mcclory, 2013).

از دیگر منابع نظری نگارش شده توسط اندیشمندان این حوزه می‌توان به کتاب «قدرت نرم در سیاست خارجی، با تأکید بر فضای جهان اطلاعات» آلن چونگ اشاره کرد که به کاربست مفهوم قدرت نرم در سیاست خارجی دولت‌های شیلی و سنگاپور پرداخته است. این تلاش از این جهت مفید است که از معدود نمونه‌های موردی در کاربرد نظریه قدرت نرم در سیاست خارجی دولت‌های آسیایی و آمریکای لاتین است. با این حال کمترین اشاره‌ای به کشورهای اروپایی و از جمله موضوع مورد مطالعه این تحقیق - بریتانیا - نکرده است (نک: چونگ، ۱۳۹۱). همین‌طور می‌توان به کتاب «جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم» اثر دکتر گلشن‌پژوه اشاره کرد که در آن تلاش شده در دو بخش راه‌کارها و ابزارهای قدرت نرم دولت‌ها را شناسایی نماید، سپس آن‌ها را با ویژگی‌ها و توانمندی‌های ایران تطابق دهد. بررسی ادبیات قدرت نرم و همچنین یافتن منابع قدرت نرم در ۶ کشور مطرح در عرصه بین‌الملل، از جمله نقاط قوت این اثر است. اما همانند سایر آثار این حوزه، کمترین اشاره‌ای به منابع و ابزارهای قدرت نرم بریتانیا در این اثر نشده است (نک: گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷). اگرچه می‌توان به منابع نظری دیگر در این راستا اشاره کرد، اما از آن جهت که بیش‌تر رویکرد نظری به مفهوم قدرت نرم در میان بوده به همین ۳ مورد اکتفا می‌کنیم. نگارنده در مقاله پیش رو با مبنا قرار دادن نظریه قدرت نرم جوزف نای، به دنبال شناخت عناصر و ابزارها و سازمان‌های متولی قدرت نرم بریتانیا است که البته به دلیل این‌که در منشور سیاست خارجی بریتانیا وجه اعمالی قدرت نرم بر وجه اعلامی آن برتری دارد، با فقدان منابع در زبان فارسی و کمبود آن در منابع انگلیسی مواجه بوده است. براین اساس وجه نوآورانه این پژوهش، شناخت سازمان‌ها و ابزارهای اعمال قدرت نرم در بریتانیا از طریق اسناد و بررسی سیاست‌های اعمالی دولت بریتانیا می‌باشد.

## ۱. چارچوب نظری

قدرت نرم توانایی به دست آوردن چیزی است که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین، جهت تحقق اهداف خود احصا کنیم. این نوع قدرت با قدرت سخت متفاوت است؛ چرا که جذب بسیار ارزان‌تر و کاراتر از اجبار است (Nye, 2004: 62). قدرت نرم توانایی به دست آوردن خواسته‌ها از طریق مجذوب کردن (به جای اجبار و یا امتیاز) می‌باشد. این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و سایت‌ها صورت می‌گیرد. زمانی که سیاست‌های ما در چشم دیگران مشروعیت دارد قدرت نرم ما تقویت شده است. در واقع زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌های شما و آنچه شما می‌خواهید را بپذیرند، بدون این‌که برای این کار هزینه زیادی (امتیاز و اجبار) صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید.

قدرت نرم به دلیل ماهیت جهان حاضر و پیشرفت، ارتقاء، ارتباطات و اطلاعات در سطح جهانی از اهمیت بیش‌تری برخوردار شده و مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. در سطح کلان‌تر و در عرصه‌ی روابط بین‌الملل، جوزف نای این‌گونه عنوان می‌کند که قدرت نرم، جلب نمودن مردم به جای اجبار کردن آن‌ها است. بنابر نظر جوزف نای، قدرت سخت می‌تواند بر پاداش (هویج) و یا تهدید (چماق) متکی باشد. اما گاهی اوقات شما می‌توانید بدون استفاده از تهدید یا پاداشی محسوس به نتایج مورد نظرتان دست یابید. راه به‌دست آوردن خواسته‌ها را «وجهه دوم قدرت» می‌نامند (Nye, 2000: 487). البته قدرت نرم دقیقاً همانند نفوذ نیست، زیرا نفوذ می‌تواند شامل قدرت سخت (تهدید) و یا پاداش نیز باشد، ولی قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال می‌باشد. قدرت نرم همچنین شامل توانایی جذب کردن نیز می‌شود و جذب اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می‌گردد (Nye, 2000: 46).

جدول شماره ۱: نمودار عملکرد قدرت نرم و سخت

	سخت		نرم	
طیف رفتارها	اجبار	و اداری کردن	ملاحظات سازمانی	جاذبه
	فرمان ←		همکاری →	
مهمترین منابع	الزام	تطمیع	ارزش ها	•
	تنبیه	رشوه	نهادها	•
			سیاست ها	•

منبع: (Nye, 2004: 21)

در متون مختلف، منابع معرفی شده در چارچوب قدرت نرم بسیار زیاد و متنوع هستند؛ ولی به طور کلی از فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی، باورها و ارزش‌های سیاسی، سیاست خارجی، دین و ایدئولوژی، علوم و فناوری، نظام آموزشی مبتنی بر تولید علم به عنوان منابع قدرت نرم نام برده شده است، که در این نوشتار به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. قدرت نرم در یک کشور از منابع متعددی پدید می‌آید که از منظر نای شامل سه مقوله مهم فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی می‌باشد. البته وی توجه ویژه‌ای نیز بر جایگاه علم و فناوری در اثرگذاری قدرت نرم دولت‌ها در عرصه بین‌المللی دارد (Nye, 2004).

این مقاله از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد و روش انجام آن نیز توصیفی تحلیلی است، بدین صورت که تحلیل با توجه به منابع مختلف کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است. کاربردی بودن پژوهش نیز به دلیل ابتکار و نوآوری در شناخت منابع و ابزارهای قدرت نرم بریتانیا بوده که تاکنون به صورت مدون در منابع فارسی زبان بررسی نشده است و این اشکال در خصوص شناخت برخی از مهم‌ترین نهادهای اعمال قدرت نرم بریتانیا در محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاری کشور به چشم می‌خورد. با این حال، اگر به منابع مورد نظر جوزف نای توجه کنیم، کشور بریتانیا در هر سه مورد از جایگاه شایسته‌ای در جهان برخوردار است؛ اما الگوی نای قابلیت کمتری برای احصاء تمام منابع قدرت نرم کشوری مانند بریتانیا را دارد. بنابراین نگارنده این منابع را به دو بخش کلی منابع جامعه محور (میراث فرهنگی، زبان، آموزش و سرمایه انسانی، نهادهای فرهنگی - اجتماعی، کسب و کار و خلاقیت و ورزش) و منابع دولت - محور (ارزش‌های سیاسی،

دیپلماسی، سنت پادشاهی) و نیز نقش سازمان‌های مسئول در حوزه اعمال قدرت نرم تقسیم نموده که در ادامه به توضیح و تبیین هر یک از این عناصر می‌پردازد.

## ۲. منابع قدرت نرم بریتانیا

### ۱-۲. منابع جامعه محور

منابع جامعه محور شامل ظرفیت‌های داخلی جامعه انگلیس و ظرفیت‌های موجود در عرصه داخلی و مبتنی بر منابع درون زای قدرت نرم بریتانیا می‌شود که عبارتند از: میراث فرهنگی، کسب و کار و خلاقیت، توریسم، زبان انگلیسی، فرهنگ و هنر، آموزش و نیروی انسانی. در ادامه به بررسی و تبیین هریک از این موارد به تفصیل می‌پردازیم.

### اول. میراث فرهنگی

نظری وجود دارد که بریتانیا را یک قدرت فرهنگی می‌داند که نفوذ زیادی در سایر نقاط جهان دارد. برخلاف وسعت کم، این کشور از حضور فرهنگی گسترده‌ای بهره‌مند است (Haugevik and Bratberg, 2011: 1-12).

۲۵ مورد از آثار تاریخی بریتانیا به عنوان میراث مشترک بشری در یونسکو به ثبت رسیده است. همچنین مناظر طبیعی زیبا، قلعه‌ها و باغ‌های این کشور سالانه میلیون‌ها گردشگر خارجی را به سوی جزیره بریتانیا می‌کشاند (Visit Britain, 2011: 1-8). هرچند که برخی از کشورها، بیش از بریتانیا پذیرای جهانگردان خارجی هستند، اما بریتانیا در این حوزه فعالیت بیش‌تری نموده است. این کشور همچنین، میراثی از اندیشمندان و فیلسوفان برجسته دارد که از این‌ها می‌توان به «توماس هابز»<sup>۹</sup>، «آدام اسمیت»<sup>۱۰</sup>، «جان استیوارت میل»<sup>۱۱</sup>، «جان مینارد کینز»<sup>۱۲</sup> و «جان لاک»<sup>۱۳</sup> اشاره کرد. در عرصه‌های علم و فناوری نیز بریتانیا دارای چهره‌های نام‌آشنایی همچون «ایساک نیوتن»<sup>۱۴</sup>، «چارلز داروین»<sup>۱۵</sup>، «جیمز واتسون»<sup>۱۶</sup> و «استفن هاوکینگ»<sup>۱۷</sup> قابل ذکرند. در حوزه فرهنگی و در کنار «شکسپیر»<sup>۱۸</sup>، افرادی نظیر «جین آستین»<sup>۱۹</sup> و «چارلز دیکنز»<sup>۲۰</sup> شایان توجه هستند. نهایتاً بایستی به برخی از نویسندگان بریتانیایی در قرن بیستم اشاره کرد که تولیدات آن‌ها خوانندگان زیادی را در سرتاسر جهان دارد. نوشته‌های شخصیت‌هایی از قبیل «داگلاس آدامز»<sup>۲۱</sup>، «آگاتا کریستی»<sup>۲۲</sup>، «بئاتریکس پوتر»<sup>۲۳</sup> و «جی.کی. رولینگ»<sup>۲۴</sup> در زمره پرفروش‌ترین کتاب‌های دنیا قرار گرفته و جهانگردان زیادی را برای بازدید از خانه و محل زندگی آنان رهسپار بریتانیا کرده است. هرچند که جهانی شدن زبان انگلیسی در موفقیت این شخصیت‌ها

نقش زیادی داشته است، لکن نمی‌توان منکر خلاقیت و هنرنمایی موجود در آثار آنها گردید (Rogers, 2012).

بریتانیا همچنین از میراث هنری و موسیقی بهره‌مند است. یکی از جاذبه‌های گردشگری بریتانیا موزه‌ها و نمایشگاه‌های هنری است. نهادهایی از جمله «موزه بریتانیا»<sup>۲۵</sup> و «گالری ملی»<sup>۲۶</sup> شهر لندن را به یکی از مراکز هنری جهان مبدل کرده است. سینمای بریتانیا هم یکی از قدرت‌های فیلم‌سازی در جهان به‌شمار می‌رود به‌طوری‌که «جان وودوارد»<sup>۲۷</sup> رئیس شورای فیلم بریتانیا، سینمای این کشور را یکی از قدرتمندترین کارگزاران فرهنگی دنیا طی ۱۰۰ سال اخیر توصیف می‌کند. فیلم‌های بریتانیایی همچون «پلی بر روی رودخانه کوا»<sup>۲۸</sup>، «لورنس عربستان»<sup>۲۹</sup> و «هری پاتر»<sup>۳۰</sup> از شهرت جهانی برخوردارند. این فیلم‌ها نه تنها نشان‌دهنده جایگاه صنعت فیلم‌سازی انگلستان در جهان می‌باشند، بلکه به تغییرات فرهنگی در سایر کشورها نیز منجر می‌شوند. به عنوان مثال، فیلم «آن (توپ) را مثل بکهام سانتر کن»<sup>۳۱</sup> تأثیر عمده‌ای بر توسعه فوتبال زنان در هندوستان گذاشته است (Media, 2009). در مجموع این کشور تلاش زیادی کرده که از حداقل ظرفیت‌های موجود، بیش‌ترین ثمره را در حوزه قدرت نرم کسب نماید.

## دوم. زبان انگلیسی

زبان انگلیسی که زبان اول جهان به‌شمار می‌رود، یکی دیگر از عناصر قدرت نرم بریتانیاست. انگلیسی، زبان مادری ۴۲۷ میلیون نفر از جمعیت جهان است. همچنین حدود ۹۵۰ میلیون نفر در دنیا به انگلیسی به عنوان زبان دوم تسلط دارند که زمینه زیادی برای فعالیت فرهنگی و دیپلماسی عمومی بریتانیا مهیا می‌سازد (Saville-Troike, 2006). یکی از این زمینه‌ها، چاپ و انتشار کتب آموزشی زبان انگلیسی توسط دانشگاه‌های بریتانیا نظیر آکسفورد و کمبریج است. افزون بر مزایای فرهنگی ناشی از جهان‌شمولی زبان انگلیسی برای بریتانیا، این زبان کاربرد زیادی در تجارت جهانی و سایر فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی دارد و به عنوان موتور محرکی برای اقتصاد جهانی بریتانیا عمل می‌نماید. چیرگی زبان انگلیسی بر سایر زبان‌های زنده دنیا، در فضای مجازی و شبکه جهانی اینترنت نمود بیش‌تری دارد که طبیعتاً شهروندان، شرکت‌ها، مؤسسات و دولت بریتانیا از این مزیت بهره‌مند می‌گردند. اینک اکثر دانشگاه‌های جهان حتی در پاریس، به زبان انگلیسی تدریس می‌کنند و نظام آموزشی کشورها از طریق زبان انگلیسی به هم متصل شده است. این سیستم جهانی، بسط و انتقال افکار و ایده‌های بریتانیایی‌ها به سایر

نقاط جهان به ویژه تأثیرگذاری آنان بر جمعیت تحصیل کرده و نخبگان فکری جوامع دوردست را تسهیل می‌کند (Michaud, 2012). به عبارت دیگر اعمال سلطه زبان انگلیسی مورد بهره‌برداری فرهنگی و سیاسی بریتانیا قرار گرفته است.

### سوم. آموزش

نظام آموزشی بریتانیا، منبع دیگری برای قدرت نرم این کشور محسوب می‌شود. نظام آموزشی و دانشگاه‌های بریتانیا، تأثیر بین‌المللی گسترده‌ای دارند. در سال ۲۰۱۳، بیش از ۳ میلیون دانشجوی از اقصی نقاط جهان در دانشکده‌های خصوصی بریتانیا حضور یافته‌اند و در سال ۲۰۱۲ حدود ۶۳۰۰ دانشجوی بین‌المللی در این کشور به تحصیل مشغول بودند که این رقم در مقایسه با ۲۶۰۰ دانشجوی یک دهه قبل، رشد قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد (Paton, 2012). تحصیلات عالی بریتانیا، منبعی برای قدرت نرم این کشور به شمار می‌رود. به استثنای ایالات متحده آمریکا، دانشگاه‌های هیچ کشوری در دنیا قدرت رقابت با کالج‌های انگلیسی را ندارند. در واقع، پس از آمریکا، بریتانیا بیش‌ترین دانشگاه و مؤسسه آموزشی را در بین ۱۰۰ دانشگاه برتر جهان به خود اختصاص داده است. طبق رتبه‌بندی جهانی «تحصیلات تایم هایگر»<sup>۳۲</sup> دانشگاه‌های آکسفورد و کمبریج بریتانیا جزء ۵ دانشگاه برتر جهان بوده و پنج مؤسسه دیگر بریتانیایی در زمره ۵۰ مؤسسه برتر دنیا قرار می‌گیرند. رتبه‌بندی دیگر بین‌المللی با عنوان «رتبه‌بندی آکادمیک شانگهای از دانشگاه‌های جهان»<sup>۳۳</sup> آکسفورد و کمبریج را میان ۱۰ دانشگاه برتر قرار داده و سه مورد دیگر را جزء ۵۰ تای نخست دانسته است. با عنایت بر این نکته که فرانسه هیچ دانشگاهی در رده بندی تایم هایگر نداشته و در رده‌بندی شانگهای نیز فقط یک دانشگاه در میان ۵۰ تای نخست دارد و همچنین آلمان نیز طبق هر دو رتبه‌بندی، تنها یک دانشگاه در میان ۵۰ تای نخست دارد، اهمیت نهادهای آموزشی و تحصیلات عالی در تولید قدرت نرم بریتانیا پررنگ‌تر می‌شود (Shanghai Ranking, 2013)، (Time Higher Education, 2013).

سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، از چندین جهت کشور بریتانیا را منتفع می‌سازد. اول این‌که، پژوهش‌ها و تولیداتی که توسط دانشگاه‌ها و اندیشکده‌های بریتانیایی تولید می‌شود، به ایجاد و حفظ مهارت‌های علمی و فنی مورد نیاز دولت و شرکت‌های خصوصی این کشور کمک می‌کند (House of Lords Science and Technology Committee, 2010).



دوم اینکه دانشجویان و پژوهشگران خارجی به همراه خود، مهارت‌ها و دانش نوین را به بریتانیا منتقل می‌سازند. این مهارت‌ها و تبادلات فرهنگی می‌تواند در پویایی و تحرک کسب و کار و رشد اقتصاد تجارت محور بریتانیا مؤثر افتد (Brown, 2009). به‌طور کلی می‌توان گفت که دانشگاه‌های بریتانیا به تولید ثروت و رفاه اقتصادی-اجتماعی این کشور کمک می‌کنند. در سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱ آن‌ها مسئول ایجاد ۳۷۸۲۵۰ شغل در سطح بریتانیا بوده و بیش از ۱۰ میلیارد پوند از محل شهریه‌ها و هزینه‌های تحصیلی برای این کشور درآمدزایی داشته است.

### چهارم. نهادهای فرهنگی - اجتماعی

مهم‌ترین نهادهای فرهنگی اجتماعی در بریتانیا که در حوزه قدرت نرم فعالیت‌های قابل توجهی می‌کنند، شامل بنگاه خبر پراکنی بی.بی.سی و نهاد فرهنگی اجتماعی شورای بریتانیا می‌باشد.

#### الف. بنگاه خبر پراکنی بی.بی.سی

«شبکه خبر پراکنی بریتانیا»<sup>۳۴</sup>، ملقب به «بی.بی.سی» سرآمد شبکه‌های خبری جهانی به شمار می‌رود که نه تنها وبسایت آن از مراجعه زیادی برخوردار است، بلکه رادیو و کانال‌های تلویزیونی‌اش نیز بینندگان پرشماری دارد. بی.بی.سی از زمان تأسیس در سال ۱۹۲۲، به تدریج رشد یافته و هم‌اکنون به قدرتمندترین شبکه خبری جهان تبدیل شده است که به گونه‌ای که برنامه‌های خویش را به ۲۷ زبان زنده دنیا پخش می‌نماید. مخاطبین بی.بی.سی به صورت هفتگی حدود ۱۰ میلیون نفر در بریتانیا و ۱۵۰ میلیون نفر در بقیه نقاط جهان تخمین زده می‌شود (Sehgal, 2009). این گستره جهانی، نقش مهمی در معرفی فرهنگ بریتانیا به مردم دنیا و تصویرسازی از این کشور در اذهان افکار عمومی بازی می‌کند. البته همین حجم زیاد مخاطبین، این رسانه بین‌المللی را در مقابل اشتباهاتش آسیب‌پذیرتر می‌سازد که گاهی تبعات آن دولت بریتانیا را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. با این حال، جایگاه بی.بی.سی به عنوان شبکه‌ای عمومی و جهانی که نیازمند عایدات ناشی از تبلیغات بازرگانی و منشعب از شرکت‌های خصوصی نیست، در مقایسه با رقبای خویش منحصر به فرد است. این درحالی است که این شبکه با استفاده از همین قدرت نرم توانسته به بسیاری از طرح‌های استعماری بریتانیا در عرصه عمل کمک کند.

## ب. شورای بریتانیا

"شورای بریتانیا"<sup>۳۵</sup> به عنوان یک نهاد فرهنگی انطباق زیادی با مفهوم قدرت نرم جوزف نای دارد. این شورا که فعالیت‌های خویش را از سال ۱۹۳۴ شروع کرده است، امروزه با ۳۰ میلیون نفر در گوشه و کنار جهان کار می‌کند و از طریق رسانه‌های دیجیتال، رادیو و تلویزیون تقریباً با ۶۰۰ میلیون نفر ارتباط دارد. شورای بریتانیا در برقراری ارتباط با قدرت‌های نوظهور از جمله برزیل، چین، هند، روسیه، کره جنوبی، ترکیه، اندونزی، مکزیک و آفریقای جنوبی موفق بوده است. این شورا به عنوان یک نهاد فرهنگی-اجتماعی، مربیان، اساتید، هنرمندان، ورزشکاران، دانشمندان و سیاستگذاران بریتانیایی را به هم‌نوعانشان در کشورهای دیگر پیوند می‌زند (British Council, 2013). این اقدامات، نه تنها به افزایش نفوذ فرهنگی بریتانیا در کشورهای مختلف می‌شوند، بلکه نوع خاصی از دیپلماسی را که بدان «دیپلماسی خط دوم»<sup>۳۶</sup> می‌گویند، میان بریتانیا و کشورهای هدف ایجاد می‌کند. در واقع، بهره‌گیری از شخصیت‌های فرهنگی و غیرسیاسی جهت حل و فصل مسائلی که از توان دیپلماسی خط اول (دیپلماسی رسمی) خارج است، به یکی از وظایف شورای بریتانیا مبدل گردیده است. البته بایستی توجه داشت که استفاده بیش از اندازه دیپلماسی فرهنگی در راستای اهداف سیاست خارجی، ممکن است از میزان قدرت نرم یک کشور بکاهد. در نتیجه هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی بریتانیا که از مجرای نهادهایی از قبیل شورای بریتانیا اعمال می‌شود، ایجاد تصویر مثبت از این کشور است که برای مدت طولانی پابرجا مانده و تعاملات اقتصادی و دیپلماتیک دوجانبه و چندجانبه کشورهای دیگر را با لندن ترغیب نماید. وظیفه اصلی «شورای بریتانیا» ایجاد فرصت‌های بین‌المللی برای مردم بریتانیا و سایر کشورهای جهان از یک سو و اعتمادسازی میان آن‌ها از سوی دیگر است. این نهاد دیپلماسی عمومی در ۱۱۰ کشور جهان دارای دفتر است که تحت عنوان تقویت روابط فرهنگی بریتانیا با جهان فعالیت می‌کند. عمده فعالیت‌های شورای بریتانیا در سه حوزه «یادگیری زبان انگلیسی»<sup>۳۷</sup>، «هنر» و «آموزش و جامعه»<sup>۳۸</sup> صورت می‌گیرد.

## پنجم. نظام اقتصادی

بریتانیا مجموعه قابل توجهی از کسب و کار و خلاقیت در اختیار دارد که بخشی از قدرت نرم این کشور را تشکیل می‌دهد. علی‌رغم اینکه صنعت بریتانیا طی یک دهه اخیر روند نزولی را طی کرده است، اما «گروه مشورتی بوستون»<sup>۳۹</sup> همچنان این کشور را در رتبه دهم جهانی جای داده است. بریتانیا به عنوان کشوری که دارای اقتصاد باز و جهانی است، شرکت‌های تجاری و صنعتی بی‌شماری را ترغیب به سرمایه‌گذاری و یا ثبت در این کشور می‌کند. برای بسیاری از مهاجرین ساکن بریتانیا، اقتصاد بریتانیا، محل مناسبی برای کسب و کار و سرمایه‌گذاری تلقی می‌شود. هرچند که در برخی از حوزه‌ها، شرکت‌های بریتانیایی از هم‌قطاران خارجی خویش عقب افتاده‌اند، لکن این شرکت‌ها در عرصه فناوری‌های نوین و تولید محصولات سازگار با محیط زیست و توسعه پایدار، به موفقیت‌هایی نیز دست یافته‌اند. شرکت‌های بریتانیایی همچنان در حوزه‌های انرژی، ارتباطات و خدمات‌رسانی، مزیت‌های نسبی بر بسیاری از رقبای خویش دارند که چرخ‌های اقتصاد صنعتی بریتانیا را به حرکت در می‌آورند. صنعت خودروسازی بریتانیا نیز، بخش زیادی از نفوذ جهانی خویش را حفظ کرده است. مارک‌ها و نشان‌های تجاری بریتانیا در صنعت خودرو نظیر «لند رور»<sup>۴۰</sup>، «مک لارن»<sup>۴۱</sup> و «رولز رویس»<sup>۴۲</sup> همچنان از محبوبیت چشمگیری برخوردارند. صنعت خودروسازی بریتانیا از جایگاه بالایی در اروپا برخوردار بوده و به افزایش صادرات این کشور کمک می‌کند. افزون بر این، برخی از شرکت‌های کوچک انگلیسی با بهره‌گیری از فناوری‌های بالا، بر طراحی و ساخت ماشین‌های مورد استفاده در مسابقات «فرمول یک»<sup>۴۳</sup> تسلط دارند.

## ششم. ورزش

بسیاری از ورزش‌هایی که در حال حاضر از محبوبیت جهانی برخوردار هستند، ریشه در انگلستان قرن نوزدهم دارند. به عنوان مثال، فوتبال به عنوان جذاب‌ترین و پرتماشگرترین ورزش دنیا، ریشه انگلیسی دارد. هم‌اکنون نیز، «لیگ برتر فوتبال انگلستان»<sup>۴۴</sup> رقابتی‌ترین و جهانی‌ترین لیگ فوتبال در دنیا به‌شمار می‌رود. سهام بسیاری از باشگاه‌های ورزشی بریتانیا توسط مالکان خارجی خریداری شده و خصلت بین‌المللی یافته‌اند. طرفداران این باشگاه‌ها نیز از ملیت‌های گوناگون بوده و چندین برابر هواداران داخلی و محلی آن‌ها هستند. این واقعیت را در هنگام تورهای تابستانی برخی از این باشگاه‌ها از جمله «منچستر یونایتد»<sup>۴۵</sup>، به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

## هفتم. صنعت گردشگری

بریتانیا سالیانه پذیرای ۳۰ میلیون خارجی است که درآمدی نزدیک به ۱۴.۷ میلیارد دلار نصیب اقتصاد این کشور می‌کند. موزه‌های بریتانیایی یکی از هفت جاذبه توریستی انگلستان به‌شمار می‌روند که نقش زیادی در معرفی فرهنگ بریتانیا به جهانگردان ایفا می‌نمایند. هرچند که جهانشهر لندن اولویت اصلی بازدیدکنندگان خارجی را تشکیل می‌دهد، اما گستردگی و پراکندگی جاذبه‌های گردشگری جزیره، موجب می‌شود که تقریباً تمام بریتانیا از تبعات مثبت اقتصادی و فرهنگی صنعت توریسم بهره ببرند (www.alnwick.gov.uk). اهمیت گردشگران برای بریتانیا، تنها از منظر اقتصادی نیست بلکه بایستی به تبعات و تأثیرات متقابل جهانگردان بر جامعه این کشور اشاره کرد. معمولاً این شهروندان تصویر مثبت و قدرتمندی از بریتانیا در جهان بازمی‌کنند. همچنین امروزه، جذب توریست بیش‌تر برای کشورها، نوعی پرستیژ فرهنگی و سیاسی محسوب می‌شود (www.media.visit-britain.com). صنایع کمتری در جهان وجود دارند که به اندازه گردشگری برای بریتانیا مهم باشند زیرا این صنعت به عنوان پنجمین صنعت بزرگ بریتانیا، بیش از ۳ میلیون شغل و ۲۰۰ هزار شرکت کوچک و متوسط را حمایت کرده و در حدود ۱۲۷ میلیون پوند به تولید ناخالص داخلی این کشور کمک می‌کند. سهم قابل توجهی از این درآمدها از جانب گردشگران خارجی نصیب بریتانیایی‌ها می‌شود. علاوه بر منافع مالی حاصل از توسعه صنعت گردشگری، تبادلات فرهنگی و تقویت قدرت نرم این کشور حائز اهمیت است. مسئولیت اصلی صنعت گردشگری در بریتانیا بر عهده مؤسسه «ویزیت بریتین» گذارده شده است (www.visitbritain.org).

### ۲-۲. منابع دولت محور

منابع دولت محور بر مبنای ظرفیت‌های موجود در عرصه ساختار سیاسی بریتانیا بوده و شامل موارد زیر است:

#### اول. ارزش‌های سیاسی

گذشته از عملکرد استعماری بریتانیا، ادعاهای حقوق بشری، دموکراسی و یا آزادی بیان در این کشور، به شدت تبلیغ شده و به قدرت نرم آن‌ها تبدیل شده است (Kirkup, 2011). بریتانیا یک جامعه چندفرهنگی است که رقبای جدید در مقایسه با سایر کشورها راحت‌تر مورد پذیرش قرار می‌گیرند. این درحالی است که جامعه بریتانیا فارغ از نژادپرستی

و وطن پرستی افراطی هم نیست. ویزای این کشور از معتبرترین ویزاهای دنیاست، به طوری که طبق «شاخص محدودیت های ویزای هنلی و پارتنرز»<sup>۴۶</sup> در سال ۲۰۱۳، روادید بریتانیا در کنار فنلاند و سوئد جزء برترین روادیدهای جهان قلمداد می شود. اتباع بریتانیایی برای مسافرت به کشورهای دیگر با کمترین ممانعت روادید مواجه هستند (Henley and Partners, 2013). در خصوص نظام حقوقی بریتانیا تلاش می شود تا به عنوان الگوی حرفه ای گری در امر قضاوت شناسانده شود، به نحوی که ثروتمندان روسی نیز برخی مواقع ترجیح می دهند تا اختلافات خویش را در دادگاه های انگلیسی حل و فصل کنند. شایان ذکر است که در سال های اخیر به علت تعدی دولت انگلستان به حریم خصوصی افراد به بهانه مبارزه با تروریسم و رفتار نامناسب پلیس لندن با مهاجرین خارجی و همچنین افشاگری های اطلاعاتی «ادوارد اسنودن»<sup>۴۷</sup> و سایت ویکی لیکس، اعتبار دموکراسی خواهی و حمایت از آزادی های سیاسی توسط بریتانیا نزد افکار عمومی جهانی رنگ باخته است و از این حیث این منبع قدرت نرم آسیب دیده است.

## دوم. نظام پادشاهی

«پادشاهی»<sup>۴۸</sup> از ویژگی های سیاسی بریتانیا است. نقش ملکه بریتانیا به عنوان پیوند دهنده کشورهای مشترک المنافع به یکدیگر، جایگاه منحصر به فردی برای بریتانیا در کشورهای مزبور دارد. شرکت ملکه در مراسم و آئین های سنتی بریتانیایی ها چه در داخل و چه در خارج از این کشور، اختلافات مقطعی میان کشورهای مشترک المنافع<sup>۴۹</sup> را از بین برده و نوعی از تجانس و یکپارچگی میان آن ها را باعث می گردد. همچنین، نفوذ بریتانیا از مجاری رسانه ها و سریال هایی که احوال شخصیه و حوادث مهم مرتبط با خانواده سلطنتی را منتشر می کنند، گسترش می یابد. سنت پادشاهی انگلستان دقیقاً با مفهوم قدرت نرم جوزف نای منطبق است که وی نیز بدان صحنه می گذارد (Nye, 2013: 60-37). سنت پادشاهی و ابنیه تاریخی منتسب به آن، در جذب توریست های خارجی به بریتانیا نیز سهم است و در سال ۲۰۱۳، از این مجرا ۴۴ میلیون پوند برای بریتانیا درآمدزایی داشته است (Khandogiy, 2013). هرچند که مردم بریتانیا، جهت حفظ تاج و تخت پادشاهی، سالیانه ۳۶ میلیون پوند مالیات تقبل می کنند، اما این هزینه ها با جذب گردشگران خارجی جبران می شود. با توجه به این واقعیت که هزینه های جمهوری در کشور آلمان نیز نزدیک به این رقم است، بریتانیایی ها علاقه ای به تغییر عنوان حکومت خویش و تبدیل آن به جمهوری ندارند. زیرا نه تنها تغییر بخصوصی در زندگی آنان در

پی نخواهد داشت، بلکه از میزان قدرت نرم این کشور در دنیا به ویژه در کشورهای مشترک المنافع خواهد کاست (Warner, 2010).

### سوم. دیپلماسی

دیپلماسی مهم‌ترین رکن ارتباطات در جهان معاصر است. دولت‌هایی که از قدرت دیپلماسی سازمان یافته‌تری برخوردار هستند می‌توانند دستور کار بین‌المللی برای سایر دولت‌ها و سازمان‌های فراملیتی تنظیم کنند. این موضوع با توجه به ظرفیت‌های بریتانیا در حوزه دیپلماسی دوجانبه، چندجانبه و دیپلماسی عمومی و فرهنگی قابل بررسی است.

### الف. دیپلماسی دوجانبه بریتانیا

دیپلماسی به عنوان نمایندگی یک دولت در خارج از مرزهای خویش و ترغیب شهروندان خارجی به سوی ارزش‌های ملی، جایگاه ویژه‌ای در تشکیل قدرت نرم کشورها دارد. طی دهه‌های اخیر، دولت بریتانیا مبادرت به اتخاذ و پیگیری سیاست‌های اخلاقی و هنجاری نموده است تا احساس هم‌دلی و نزدیکی در قلوب دیگران ایجاد نماید. اما به علت درگیری این کشور در جنگ‌های افغانستان و عراق، نه تنها از میزان قدرت نرم این کشور در دنیا **مخصوصاً** نزد ملل مسلمان کاهش یافت، بلکه هزینه‌های سرسام‌آور این جنگ‌ها منجر به کاهش کمک‌های خارجی لندن به کشورهای کمتر توسعه‌یافته گردید. با این حال، دولت بریتانیا، شبکه گسترده‌ای از تعاملات دیپلماتیک با کشورهای جهان دارد که بالغ بر ۲۷۰ نمایندگی در ۱۶۰ کشور می‌شود. تعداد این نمایندگی‌ها همچنان در حال افزایش است زیرا دولت بریتانیا تصمیم به احداث ۸ مرکز جدید کنسولگری و تجارتی در گوشه و کنار جهان دارد. در اکثر این سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها، مسئولیت انجام امور مرتبط با دیپلماسی عمومی و قدرت نرم بر عهده دفتر امور خارجی و مشترک المنافع است. بی شک «دفتر امور خارجی و مشترک المنافع»<sup>۵۰</sup> به علت حجم فعالیت‌ها و هزینه‌های محوله، مهم‌ترین نهاد دولتی بریتانیا در حوزه قدرت نرم می‌باشد (Howell, 2012). به عبارت دیگر بریتانیا از طریق قدرت نرم دیپلماسی می‌خواهد مداخلات سیاسی سخت‌افزارانه‌اش را توجیه کند.

### ب. دیپلماسی چندجانبه بریتانیا

عضویت و مشارکت فعال این کشور در بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی ابزار مهمی جهت به‌کارگیری قدرت نرم انگلستان در پهنه جهانی فراهم می‌آورد. بریتانیا یکی از

پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد بوده و نقش مسلطی در سیاست‌های ملل متحد و کارگزاری‌های وابسته به آن ایفا می‌کند. این کشور همچنین، عضو اتحادیه اروپا، ناتو و «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»<sup>۵۱</sup> «گروه ۸» و «گروه ۲۰» است که همگی از مهم‌ترین نهادهای سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان هستند. علاوه بر دیپلماسی چندجانبه، روابط دوجانبه بریتانیا با برخی از قدرت‌ها نظیر ایالات متحده، کانادا، استرالیا و... بسیار نزدیک و ویژه است. این ارتباطات بین‌المللی گسترده، به افزایش نفوذ جهانی این کشور منجر می‌گردد به طوری که در مواقع سردی یا گرمی روابط لندن با کشوری خاص، انعکاس همین الگوی تعامل و مناسبات دیپلماتیک و تجاری را می‌توان در مورد کشورهای مشترک المنافع نیز مشاهده کرد (Hague, 2012).

### ج. دیپلماسی عمومی بریتانیا

امروزه، بسیاری از کارکنان و نهادهای مدنی داخلی بریتانیا در عرصه‌های قدرت نرم و دیپلماسی عمومی مشارکت می‌کنند. در واقع، پس از برگزاری موفقیت‌آمیز بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن، دولت بریتانیا، تلاش کرده است که همه وزارتخانه‌ها را در جهت قدرت نرم بسیج نماید. دیپارتمان کسب و کار و خلاقیت به همراه دیپارتمان فرهنگ، رسانه و ورزش سهم به‌سزایی در راه‌اندازی «برنامه بازاریابی بریتانیای کبیر»<sup>۵۲</sup> داشته‌اند که ارزش اقتصادی آن برای دولت بریتانیا در حدود ۳۰ میلیون پوند است. دیپلماسی عمومی بریتانیا، همچنین از ارتباطاتی که توسط «مطالعات دفاعی کالج سلطنتی»<sup>۵۳</sup> ایجاد شده است، بهره می‌برد. این اندیشکده مطالعاتی به آموزش پرسنل نظامی بیش از ۵۰ کشور جهان می‌پردازد و جایگاه درخوری در دیپلماسی دفاعی بریتانیا دارد. دفتر امور خارجی و مشترک المنافع، پروژه‌هایی را هم جهت ترغیب ارزش‌های سیاسی بریتانیا به اجرا درآورده است. یکی از مهمترین این‌ها، «برنامه حقوق بشر و دموکراسی»<sup>۵۴</sup> است که به پیشبرد توسعه نهادهای مدنی محلی کمک می‌کند. پروژه دیگری که دفتر امور خارجی و مشترک المنافع از آن حمایت به عمل می‌آورد، «بنیاد وست منیستر برای دموکراسی»<sup>۵۵</sup> است که یک نهاد غیردولتی بوده و در راستای توسعه احزاب سیاسی و سازمان‌های مردم‌سالار فعالیت می‌کند. دفتر مزبور اقداماتی نیز در جهت تداوم اصلاحات دموکراتیک در کشورهای در حال توسعه انجام می‌دهد که از مهمترین آن‌ها می‌توان به کمک مالی و حمایت فنی از برگزاری انتخابات آزاد در این قبیل کشورها اشاره کرد. در راستای اهمیت دیپلماسی عمومی، دفتر امور خارجی و مشترک المنافع حضور فعالی در شبکه



های اجتماعی نظیر «فیس بوک»، «توییتر» و «گوگل پلاس» دارد. سایت این نهاد دولتی متولی قدرت نرم بریتانیا به ۵۳ زبان زنده دنیا مجهز می باشد تا تأثیرگذاری بیش تری بر افکار عمومی جهانی داشته باشد (Foreign and Commonwealth Office, 2011). یک چهارم کامل بودجه اداره امور خارجی و مشترک المنافع به دیپلماسی عمومی اختصاص دارد که یک جا به سرویس جهانی بی.بی.سی و شورای بریتانیا داده می شود. وظیفه آن ها تسهیل شبکه ها، برای ارتباط آیندگان به ویژه در میان جوانان همه جوامع است. در مقایسه با اقدامات دیپلماسی رسمی و اغلب کوتاه مدت که به طور خاص سیاست محور هستند، با ایجاد ارتباط درون انگلستان و همچنین میان افراد و مردمان سرتاسر جهان، اهداف آن ها درازمدت است. در واقع، این نهادها به همراه دپارتمان توسعه بین المللی، به دنبال شبکه سازی درازمدت شغلی هستند. از این حیث، همه آن ها ترویج کنندگان منافع ملی انگلستان و بازویی برای پیشبرد دیپلماسی عمومی این کشور از طریق تقویت هویت ملی محسوب می شوند (میلسن و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۵۸-۳۵۴). مواردی از این قبیل نشان می دهد که چگونه استعمار با قدرت نرم در پی تقویت خویش است.

#### د. دیپلماسی فرهنگی بریتانیا

کشور بریتانیا یکی از بازیگران فعال و مطرح در حوزه دیپلماسی فرهنگی به شمار می رود. برخورداری از شهرت جهانی این کشور در عرصه تعاملات فرهنگی همراه با روابط دیرین انگلستان با نهادهای خارجی و بین المللی موجب شده اند تا بریتانیا به یکی از سکنداران اندیشه و عمل در حوزه فرهنگ (برای جامعه جهانی) تبدیل شود. با وجود این، در سایه تحولات فناورانه جهانی در قرن بیست و یکم از یک سو و تلاش های سایر قدرت های جهانی (چین، هند و ...) که از توان فرهنگی عظیمی برخوردارند، جایگاه بریتانیا به عنوان یک قدرت فرهنگی تا حدود زیادی به چالش کشیده شده است. در واقع، کاهش سرمایه گذاری در دیپلماسی فرهنگی و وجود برخی ناهماهنگی ها میان نهادهای متولی این امور، مزیت نسبی بریتانیا در حوزه دیپلماسی فرهنگی را به خطر انداخته است. نهادها و بخش های فرهنگی بریتانیا در نتیجه مبادلات بین المللی با همتایان خارجی خویش، مزایایی مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی برای این کشور به ارمغان می آورند. برخی از این مزایا به لحاظ کمی قابل محاسبه هستند، اما برخی دیگر کیفی بوده و به راحتی نمی توان ارزش و بهای آنان را برای بریتانیا متذکر شد. با این حال، می توان مزایای زیر



را در این خصوص برشمرد:

اول این که دیپلماسی فرهنگی بریتانیا به افزایش درآمد سرانه کشور کمک می کند. بازار هنر و عتیقه جات بریتانیا، ۲۵ درصد از حجم این بازار را در کل جهان به خود اختصاص می دهد و دست کم سالیانه ۳/۵ میلیارد پوند نصیب این کشور می سازد. در سال ۲۰۰۲، ارزش مادی صادرات کالاهای فرهنگی بریتانیا بالغ بر ۸/۵ میلیارد پوند بوده است. این محصولات شامل فیلم، موسیقی، طراحی و .. می شوند. همچنین بریتانیا حائز رتبه شایانی در آموزش و تربیت فرهنگی است. از دوره های آموزشی تخصصی گرفته تا مدارس تابستانه که هم در داخل و هم در خارج این کشور برگزار می گردند، به حفظ این جایگاه یاری کرده اند ([www.nationalmuseums.org.uk](http://www.nationalmuseums.org.uk)).

دوم اینکه، مجموعه علمی بریتانیا، منابع طبیعی را در خدمت ابداعات علمی و ابتکارهای پزشکی قرار داده است. این کشور در حوزه علم و فناوری از پیشگامان محسوب گردیده و برخی از دانشگاه های بریتانیایی همچون آکسفورد، کمبریج و مدرسه علوم اقتصادی لندن از شهرت جهانی بهره مند هستند. حجم فعالیت هایی که در عرصه فرهنگی کشور بریتانیا در جهان انجام می دهد، بسیار گسترده است، به همراه شورای بریتانیا، بیش از ۵۰ نهاد فرهنگی بریتانیایی در گوشه و کنار جهان مشغول هستند که شبکه قدرتمندی از نهادهای فرهنگی فرامرزی به وجود آورده اند که قابل مقایسه با نمایندگی ها و سفارتخانه های دیپلماتیک این کشور است. از آن جا که نهادهای فرهنگی بریتانیا عمدتاً در فراسوی مرزهای ملی فعالیت می کنند و همچنین با عموم مردم تعامل دارند، سفیران غیررسمی این کشور به شمار می روند. در واقع، رقابت آن ها با یکدیگر و همتایان خارجی خویش در کنار تلاش های آنان برای اخذ مجوز فعالیت در داخل و خارج از کشور، نه تنها موجب افزایش تأثیرگذاری آنان می گردد، بلکه پلی میان حوزه های دیپلماسی، روابط بین الملل و افکار عمومی برقرار می سازد.

### ۳. سازمان های متولی قدرت نرم در بریتانیا

اگرچه در کنار وزارت خارجه بریتانیا سازمان های بسیاری به صورت غیرمستقیم متولی اعمال قدرت نرم بریتانیا در خارج از مرزها هستند، اما از مهم ترین این سازمان ها که به صورت مستقیم مأمور ارتقا و افزایش سطح قدرت نرم بریتانیا است، می توان به اداره امور خارجی و مشترک المنافع و دپارتمان توسعه بین المللی اشاره کرد.

### ۳-۱. اداره امور خارجی و مشترک المنافع

مسئولیت اصلی هدایت و ریل‌گذاری سیاست‌های مرتبط با قدرت نرم بریتانیا، بر عهده دفتر امور خارجی و مشترک المنافع است. فعالیت‌های این دفتر متنوع و به‌روز هستند و از تحرکات دیپلماتیک سنتی متفاوت می‌باشند (Hague, 2012). اداره «امور خارجی و مشترک المنافع»، دپارتمان‌های دولت بریتانیا محسوب می‌شود که مسئولیت حمایت از شهروندان بریتانیایی و پیشبرد منافع بریتانیا در سرتاسر جهان را برعهده دارد. این دپارتمان در سال ۱۹۸۶ از ادغام اداره‌های امور خارجی و امور مشترک المنافع تأسیس گردید. اداره امور خارجی و مشترک المنافع از شبکه گسترده‌ای از سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها بهره‌مند است، به طوری که بیش از ۱۴۰۰۰ نفر نیروی انسانی این اداره در نمایندگی‌های دیپلماتیک بریتانیا در گوشه و کنار جهان به فعالیت مشغول هستند. اداره مزبور، علاوه بر دولت‌ها، همکاری زیادی با سازمان‌های بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و ناتو دارد.

دولت بریتانیا با علم بر این واقعیت که به‌کارگیری قدرت نظامی (سخت) این کشور بدون بهره‌گیری از قدرت نرم منتج به نتایج مورد نظر این کشور نخواهد شد؛ از این رو، وزارت دفاع بریتانیا در همکاری با اداره امور خارجی و مشترک المنافع، سعی در ترکیب قدرت با ترغیب را دارد و بهره‌گیری بیش‌تر از مفهوم قدرت هوشمند را که ترکیب متوازی از قدرت سخت و قدرت نرم محسوب می‌شود، هدف خویش اعلام کرده است. در این راستا، دولت بریتانیا در سایه تجارب کسب شده در جنگ افغانستان، همکاری نهادهای دولتی همچون وزارت دفاع، دپارتمان توسعه بین‌المللی و اداره امور خارجی و مشترک المنافع با یکدیگر را مورد بازنگری قرار داده و همکاری راهبردی میان آن‌ها را جهت افزایش قدرت نرم بریتانیا مد نظر دارد. مهم‌ترین ابزار دولت بریتانیا در مواجهه با جوامع پسمانزعه (نظیر افغانستان) تأسیس نهادی با عنوان «واحد تثبیت»<sup>۵۶</sup> از طریق همکاری سه نهاد مذکور (وزارت دفاع، دپارتمان توسعه بین‌المللی و اداره امور خارجی و مشترک المنافع) می‌باشد. (Lords Select Committee on Soft Power, 2014: 36-37).

هیئت اجرایی اداره امور خارجی و مشترک المنافع بریتانیا، چندین کشور را به عنوان اولویت‌های امنیتی خویش در سال‌های آتی انتخاب کرده است که جمهوری اسلامی ایران در کنار افغانستان، سوریه، روسیه و برخی از کشورهای آفریقایی و خاورمیانه‌ای از این مجموعه به‌شمار می‌روند. این نهاد بریتانیایی در جدیدترین گزارش خویش در مورد

ایران، از وضعیت حقوق بشر در کشور، ابراز نگرانی کرده است. در این گزارش جهت دار، به بزرگ‌نمایی مسائل حقوقی و مشکلات اجتماعی در ایران پرداخته و به دخالت در امور سیاسی داخلی کشور تلاش شده است. این در حالی است که نهاد مزبور، همکاری با جامعه بین‌المللی جهت ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را مهم‌ترین اولویت خویش در قبال این کشور اعلام کرده است.

### ۲-۳. دپارتمان توسعه بین‌المللی

وظیفه اصلی دپارتمان توسعه بین‌المللی مبارزه با فقر و اهدای کمک‌های بشردوستانه قید شده است، اما این نهاد دولتی در امور مربوط به مهاجرین و توسعه نیز فعال بوده است. دپارتمان توسعه بین‌المللی دارای یک تیم متخصص در مورد مسائل مهاجرت است و نقش به‌سزایی در جمع‌آوری اطلاعات و سیاستگذاری در زمینه مهاجرت و توسعه برعهده دارد. این نهاد همچنین با برگزاری کنفرانس‌ها و حمایت مالی از پروژه‌های تحقیقاتی به بهبود وضعیت مهاجرین و ارسال کمک‌های بشردوستانه در جهان کمک می‌کند. دپارتمان توسعه بین‌المللی با همکاری بانک جهانی، اولین کنفرانس بین‌المللی در مورد کمک‌رسانی به مهاجرین را در سال ۲۰۰۳ برگزار نمود. بریتانیا به یمن برخورداری از دپارتمان مزبور، نه تنها در طراحی بلکه در اجرای سیاست‌های کمک‌رسانی به مهاجرین سرآمد بوده است. به‌طور کلی سیاست‌های مهاجرتی و توسعه بریتانیا بر روی مسئله «ارسال وجوه»<sup>۵۷</sup> متمرکز بوده است و در این زمینه با نهادهای عمده بین‌المللی به خصوص بانک جهانی همکاری نزدیکی دارد. رویکرد بریتانیا نسبت مسئله مهاجرت و توسعه در مقایسه با سایر کشورهای فعال اروپایی نظیر هلند و فرانسه منسجم‌تر است؛ زیرا به جای برقراری ارتباط ساده میان کمک‌های توسعه‌ای و کاهش مهاجرت، این مشکل بین‌المللی را از منظر فقرزدایی جهانی دنبال می‌کند. در سطح قاره اروپا، در هیچ کشوری به اندازه بریتانیا، نهادهای مرتبط با توسعه بین‌المللی فعال نیستند (De Haas, 2006: 63-66).

### ۴. قدرت نرم بریتانیا در قبال جمهوری اسلامی ایران

تحلیل سیاست خارجی بریتانیا در قبال جمهوری اسلامی ایران، جدا از شناخت اهداف و انگیزه‌های آن نمی‌باشد. در واقع قدرت نرم در سیاست خارجی بریتانیا با ملاحظه معیارهای متفاوت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطوح داخلی و منطقه‌ای سبب گردیده است تا سیاست خارجی این کشور دستخوش یک نوع بازنگری جدی

شود که از آن به رنسانس سیاست خارجی بریتانیا یاد می‌شود. ابعاد قدرت نرم بریتانیا در عرصه داخلی ایران، از آن‌جا قابل توجه است که حدوداً ۵۰۰۰۰۰ نفر ایرانی مقیم در این کشور وجود دارد. این رقم نشان دهنده این است که بعد از آمریکا بنابر سرشماری‌های انجام شده انگلستان بیشترین میزان جذب را از میان ایرانیان دارد.

شورای بریتانیا که در ایران بیش‌تر با عنوان شورای فرهنگی بریتانیا شناخته می‌شود، از نهادهای قدیمی فعال در کشور است. این نهاد نیمه‌دولتی، فعالیت‌های خویش در ایران را از سال ۱۹۴۲ (۱۳۲۱ ه.ش) در تهران آغاز کرد. فعالیت شورای فرهنگی بریتانیا تا ۱۳۵۷ ادامه داشت. پس از وقفه ۲۲ ساله، شورای مذکور موفق شد کار خود را از سال ۲۰۰۱ (۷۹ ه.ش) از سر گیرد. البته راه اندازی بخش فارسی شبکه جهانی بی.بی.سی که آشکارا علیه نظام و ملت ایران فعالیت می‌کرد، در تشدید بی‌اعتمادی‌ها مؤثر بود. نهایتاً فعالیت این مرکز فرهنگی در ایران از ابتدای سال ۲۰۰۹ متوقف شد. شایان ذکر است که علی‌رغم قطع روابط دیپلماتیک لندن - تهران و بسته شدن دفتر شورای فرهنگی بریتانیا که در باغ سفارت این کشور واقع در محله قلهک تهران مستقر بود، سایت این مؤسسه فیلتر نبوده و کاربران ایرانی توانسته‌اند از تمام خدمات اینترنتی و آموزش از راه دور شورای بریتانیا استفاده نمایند.

با توجه به تلاش‌های صورت گرفته جهت احیای مجدد روابط رسمی دوجانبه، شورای بریتانیا نیز مجدداً امیدوار به گسترش روابط فرهنگی خویش با ایرانیان شد. جمهوری اسلامی ایران از جنبه‌های مختلف برای دولت بریتانیا و شورای بریتانیا حائز اهمیت است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به جمعیت قابل توجه و جوان ایران اشاره کرد. همچنین در بخش هنر، جمهوری اسلامی ایران پتانسیل بالایی در رشته‌های هنری از قبیل طراحی، معماری، موسیقی سنتی و ادبیات باستانی دارد که همگی مورد توجه شورای بریتانیا هستند. همچنین گزارش سالانه شورای بریتانیا در سال ۲۰۱۰، ایران را به عنوان یکی از کشورهای شاهره معرفی کرده بود که بایستی فعالیت‌های فرهنگی بریتانیا در این کشور افزایش یابد. در واقع، طبق تعریف شورای بریتانیا، کشورهایی همچون عراق، افغانستان، زیمبابوه و برمه در گروه کشورهای شاهره قرار می‌گیرند که مردمشان اعتماد کافی به انگلیس نداشته یا پتانسیل این بی‌اعتمادی را دارند. این کشورها به علت عدم دسترسی یا مجادلات سیاسی با بریتانیا فضایی پرچالش را در عرصه دیپلماسی عمومی برای بریتانیا رقم زده‌اند، از این رو شایان توجه بیش‌تری در آینده هستند ([www.fco.org](http://www.fco.org)).

از منظر سیاسی و فرهنگی نیز رسانه‌ای مانند بی.بی.سی که یکی از منابع مهم قدرت نرم

بریتانیا است با نفوذ در لایه‌های فرهنگی جامعه در داخل کشور اقدام به ارائه گزاره‌هایی می‌کند که هدف آن‌ها در نهایت القاء ناکارآمدی نظام و ایجاد شبهه در خصوص ضعف مدیریتی در داخل کشور است. بخش فارسی بی. بی. سی در سال‌های اخیر، تعدادی از روزنامه‌نگاران ایرانی را استخدام کرده و تیم‌های رادیویی و آنلاین خود را گسترش داده است. سایت فارسی بی. بی. سی آنلاین نیز با بهره‌گیری از وبسایت‌های پشتیبان و ناظر حوزه فعالیت خود را گسترش داده است. بودجه پخش برون‌مرزی بی. بی. سی را دولت تأمین می‌کند، اما مسئولان این شبکه به دنبال ارائه چهره مستقل از این شبکه هستند. بر این مبنا مدعی هستند که دولت انگلیس در محتوای برنامه‌ها یا تعیین مأموریت خاصی برای این شبکه دخالت نمی‌کند، در حالی که این امر واضح است که برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و چه بسا پایگاه‌های اینترنتی سرویس جهانی بی. بی. سی از جمله مهم‌ترین و بارزترین ابزارهای اعمال قدرت نرم انگلیس برای تشریح سیاست‌های منطقه‌ای انگلیس و سپس توجیه این اقدامات برای مخاطبان عام و خاص ایرانی است که این رویکرد در چارچوب کانال‌های رادیویی و تلویزیونی تجلی می‌یابد (سلیمانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

بی. بی. سی با بهره‌گیری هدفمند از اصول و تکنیک‌های نوین خبرنگاری و تحلیل رسانه‌ای تلاش می‌کند فهم وابستگی سیاسی به دولت انگلیس را برای مخاطب دشوار نماید. در واقع ادبیات نرم بی. بی. سی در کنار مؤلفه‌های تنوع و عمق‌بخشی خبری، این ذهنیت را به مخاطب القا می‌کند که این رسانه فارغ از جهت‌گیری‌های سیاسی صرفاً در خدمت اطلاع‌رسانی قرار گرفته است. بدین سان شاید بتوان گفت که تصمیم به راه‌اندازی تلویزیون فارسی زبان بی. بی. سی در کنار رادیوی آن نسبت به سایر شبکه‌های تلویزیونی و خبری اثرات مؤثرتری بر ذهن و انگیزه مخاطبین دارد، زیرا اولاً سبک تبلیغی بی. بی. سی بسیار نرم‌تر از رسانه‌های مشابه نظیر تلویزیون آمریکا است و می‌کوشد به جای القای مستقیم که منجر به مقاومت مخاطب می‌شود از روش القای غیرمستقیم و در پوشش برنامه‌های تحلیلی سود بجوید. دوم، بی. بی. سی به جای پرداختن صرف به موضوعات سیاسی و بین‌المللی در بسیاری از مواقع بر موضوعات و سوژه‌های عمیق اجتماعی متمرکز می‌شود و از این رهگذر می‌کوشد تا مخاطبان و حتی حامیانی از دل طبقات و شئون مختلف اجتماعی برای خود دست و پا کند (افخمی و عبدالله، ۱۳۸۸).

## نتیجه‌گیری

در جهان پیچیده کنونی، دیگر قدرت کشورها صرفاً با اندازه نیروهای نظامی یا شرکای سستی آنان اندازه‌گیری نمی‌شود، بلکه بایستی همزمان به عناصر و ابزارهای قدرت سخت و نرم کشورها عنایت داشت. بریتانیا به عنوان یکی از قدرت‌های جهانی از این امر مستثنی نیست. در سایه ظهور قدرت‌های جدید در آسیا، آمریکا و آفریقا که هژمونی غرب را به چالش می‌کشند، قدرت‌های غربی از جمله بریتانیا، نیازمند بازتعریف جایگاه خودشان در هندسه قدرت جهانی هستند که در این راستا، فرهنگ نقش کلیدی دارد. با این حال، مزیت فرهنگ تنها در صورتی مستفاد خواهد شد که ساختار سیاسی محکم و منسجمی جهت هماهنگی فعالیت‌های مرتبط با فرهنگ وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، فرهنگ یک کشور نظیر بریتانیا نمی‌تواند به خودی خود، به عنوان عنصر مهمی از قدرت نرم این کشور ترجمه شود، مگر این‌که دیپلماسی فرهنگی محکم و منسجمی از سوی دولت بریتانیا تدوین و اجرایی گردد. دیپلماسی فرهنگی بریتانیا در قبال جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. زیرا یکی از کارکردهای اصلی فرهنگ در سیاست، باز نگه داشتن درهای گفتگو در مواقع دشواری و سردی روابط دیپلماتیک است که این امر در مورد روابط لندن - تهران صادق است. درواقع، حفظ روابط فرهنگی میان دو کشور علی‌رغم سردی و نهایتاً قطع روابط رسمی دوجانبه، یکی از بارزترین مصداق‌های کارکرد فرهنگ در روابط بین‌المللی است.

۱۰۰

دولنامه مطالعات  
قدرت نرم

سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

1. Royal United Services Institute
2. RUSI
3. Chatham House
4. Institute for Government (IfG)
5. Institute for Cultural Diplomacy
6. British Council
7. Jonathan McClory
8. Soft Power Index
9. Thomas Hobbes
10. Adam Smith
11. John Stuart Mill
12. John Maynard Keynes
13. John Lock
14. Isaac Newton
15. Charles Darwin
16. James Watson
17. Stephen Hawking
18. Shakespeare
19. Jane Austen
20. Charles Dickens
21. Douglas Adams
22. Agatha Christie
23. Beatrix Potter
24. J.K. Rowling
25. British Museum
26. National Gallery
27. John Woodward
28. The Bridge on the River Kwai
29. Lawrence of Arabia



30. Harry Potter
31. Bend it like Beckham
32. Times Higher Education (THE)
33. Shanghai's Academic Ranking of World Universities
34. British Broadcasting Chanel
35. British Council
36. Second Track Diplomacy
37. Learning English
38. Education and Society
39. Boston Consulting Group
40. Land Rover
41. McLaren
42. Rolls Royce
43. Formula One
44. English Football Premier League
45. Manchester United
46. Henley and Partners Visa Restrictions Index
47. Edward Snowden
48. Monarchy
49. Common wealth Countries
50. Foreign and Commonwealth Office (FCO)
51. OECD
52. GREAT Britain marketing campaign
53. Royal College of Defence Studies
54. Human Rights and Democracy Programme (HRDH)
55. Westminster Foundation for Democracy (WFD)
56. Stabilisation Unit (SU)
57. Remittances



## منابع

- امام زاده فرد، پرویز (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه قدرت نرم در سیاست: از دوران باستان تا زمان معاصر»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، بهار.
- کوهی اصفهانی، مرضیه (۱۳۸۴)، *مراکز فکری تأثیرگذار در سیاست خارجی و امنیتی انگلیس*، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- میلسن، ژان و همکاران (۱۳۸۸)، *دیپلماسی عمومی نوین: کاربرد قدرت نرم در روابط بین الملل*، ترجمه رضا کلهر و سید محسن روحانی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- افخمی، حسین و علیرضا عبدالله (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی ساختار و نحوه پوشش اخبار ایران در تارنماهای ملی و بین‌المللی (تحلیل محتوای مطالب سیاسی تارنماهای خبری ایرنا، بی.بی.سی فارسی و صدای آمریکا)»، *مجله جهانی رسانه*، دانشگاه تهران.
- سلیمانی، رضا (۱۳۸۸)، براندازی نرم و تأسیس تلویزیون های فارسی زبان «مطالعه موردی بی.بی.سی»، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
- چونگ، آلن (۱۳۹۱)، *قدرت نرم در سیاست خارجی، با تأکید بر فضای جهان اطلاعات*، ترجمه مهدی ذوالفقاری، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، *جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم: نگاهی به قدرت نرم افزارانه جمهوری اسلامی ایران*، تهران: معاونت پژوهش های روابط بین الملل دانشگاه آزاد.
- British Council (2013), "Emerging Powers" [online]. [www.britishcouncil.org/organisation/facts/around-the-world/emerging-powers](http://www.britishcouncil.org/organisation/facts/around-the-world/emerging-powers) [Accessed on 2 March 2013].
- Brown, Richard (2009), *Global Horizons: How International Graduates Can Help Businesses*, London: The Council for Industry and Higher Education.

- British Council Annual Report, 2012-2013.
- British Council Annual Report, 2009-2010.
- De Haas, Hain (2006), **Engaging Diasporas How governments and development agencies can support diaspora involvement in the development of origin countries**, International Migration Institute James Martin 21st Century School University of Oxford. A study for Oxfam Novib.
- Foreign and Commonwealth Office (2011), **Foreign and Commonwealth Office Structural Reform Plan Monthly Implementation Update**, London: Gov.UK.
- Foreign and Commonwealth Affairs, Iran-country of concern, **human rights and democracy report**, 10 April 2014.
- Foreign and Commonwealth Office (2013–14), **Annual Report and Accounts**.
- Government Response to the House of Lords Select Committee on Soft Power and UKs Influence (2014), **Persuasion and Power in the Modern World**, Presented to the Parliament by the Secretary of State for Foreign and Commonwealth Affairs.
- Hague, William (2012), **Foreign Secretary Speech on Diplomatic Trade-craft** [Speech] The British Academy, London, 17 October 2012.
- Haugevik, Kristin M. and Bratberg, Oivind. (ed.) (2011), “The Cultural Superpower: British Cultural Projection Abroad”, **Journal of the British Politics Society Norway**, 6 (1) Winter.
- Henley and Partners (2013), “The Henley and Partners Visa Restrictions Index” 2013 [online].  
www.henleyglobal.com/fileadmin/pdfs/visarestrictions/Global%20Ranking%20-%20Visa%20Restriction%20Index%202013-08.pdf [Accessed on 25 October 2013].
- Higher Education Statistics Agency (2013), “Non-UK Domicile Students” [online] 11 January 2013. www.hesa.ac.uk/content/view/2663/393/ [Accessed on 3 April 2013].
- House of Lords Science and Technology Committee (2010), **Setting Priorities for Publicly-Funded Research**, London: The Stationery Office.

- Howell, Lord (2012), Speech to the Wilton Park International Council [Speech] Wilton Park International Council, Steyning, 31 May 2012.
- Kagan, Robert (2012), “Not Fade Away: the Myth of American Decline”, *New Republic*, 11 January 2012.
- Khandogiy, Volomydyr (2013), “Great Britain’s Soft Power”, *Day Kiev*, 7 August 2013.
- Kirkup, James (2011), Muslims Must Embrace Our British Values, David Cameron Says, *The Telegraph*, 5 February 2011.
- McClory, Jonathan (2011), *The New Persuaders II: a 2011 Global Ranking of Soft Power*, London: Institute for Government.
- McClory, Jonathan. (2013), *The New Persuaders III: a 2012 Global Ranking of Soft Power*, London: Institute for Government.
- Media, Narval. (2009), *Stories We Tell Ourselves: the Cultural Impact of UK Film 1946 –2006*, London: UK Film Council.
- Michaud, Chris. (2012), English the Preferred Language for World Business. Reuters. 16 May 2012.
- Nye, Joseph (2000), *The Paradox of American Power. Why the Worlds only Super Power cant Go it Alone*, Oxford: Oxford University Press.
- Nye, Joseph (2004), *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, Public Affairs.
- Nye, J. (2003),”US Power and Strategy after Iraq”, *Foreign Affairs*, 82 (4).
- Paton, Graeme (2012), “More Children Educated in British Schools Overseas”, *The Telegraph*, 16 October 2012.
- Rogers, Simon (2012), “Top 100 Bestselling Books of 2012”, *The Guardian*, 28 December 2012.
- Saville-Troike, Muriel (2006), *Introducing Second Language Acquisition*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Sehgal, Manjeet (2009), “BBC: World’s Largest Broadcaster Most Trusted Media Brand”, *Media Newsline*. 13 August 2009.
- Shanghai Jiao Tong University (2013), “Academic Ranking of World Uni-

versities 2013” [online]. [www.shanghairanking.com/ARWU2013.html](http://www.shanghairanking.com/ARWU2013.html) [Accessed on 6 January 2014].

-Times Higher Education (2013), “World Reputation Rankings 2013” [online]. [www.timeshighereducation.co.uk/world-university-rankings/2013/reputation-ranking/range/01-50](http://www.timeshighereducation.co.uk/world-university-rankings/2013/reputation-ranking/range/01-50) [Accessed on 6 January 2014].

- The UK Spectrum Strategy, “Delivering the best value from spectrum for the UK, Department of culture”, **Media and Sport**, 10 march 2014.

-Visit Britain (2011), “How the World Sees Britain”, **Foresight**, 96 (October).

-Warner, Gerald (2010), “The Royal Family is a Bargain for Britain”, **The Telegraph**, 23 June 2010.

- Snow, Nancy & Philip Taylor (2009), **Handbook of Public Diplomacy**, Published by Routledge.

- [www.alnwick.gov.uk](http://www.alnwick.gov.uk)

- [www.britishcouncil.org](http://www.britishcouncil.org)

- [www.gov.uk](http://www.gov.uk)

- [www.media.visitbritain.com](http://www.media.visitbritain.com)

- [www.nationalmuseums.org.uk](http://www.nationalmuseums.org.uk)

- [www.visitbritain.org/britaintourismindustry/tourismaffair](http://www.visitbritain.org/britaintourismindustry/tourismaffair)

- [www.roozonline.com/persian/news/newsitem](http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem)

- [www.fco.org/](http://www.fco.org/) Lord Carter Report /2005

۱۰۶  
دوفصلنامه مطالعات  
قدرت نرم

سال چهارم، شماره یازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

